

## نقاط قوت حوزه‌های علمیه

### الف - انتخاب آزادانه استاد

در حوزه‌های علمیه رسم بر این است که در کلیه سطوح، استادان متعددی به ارائه درس می‌پردازند و هر طلبه بدون هیچ محدودیت با دارنده‌ای با شرکت در جلسات متعدد، استاد مورد نظر خویش را بر می‌گزیند و با میل خود در جلسات درس شرکت می‌کند. در این نظام، هرگز انگیزه‌ای به نام حضور و غیاب سبب حضور طلبه در جلسه درس استاد نمی‌شود و تنها علاقه به درس و مدرس است که تضمین کننده حضور طلاب در کلاسهاست نه اجبار و ترس از کم شدن نمره.

### ب - مباحثه دروس

وجود سنت حسنه مباحثه، سبب روشن شدن نکات مبهم و برطرف شدن بدفهمی‌های احتمالی می‌شود. در جریان مباحثه، طلاب در گروه‌های کوچک و دوستانه درس را به نقادی می‌گذارند و از نظریات یکدیگر بهره‌مند می‌شوند.

### ج - تجری طلاب در طرح سؤال و اشکال

سنت نیکوی دیگری که جزء ملزومات کلاسهای درس است، چون و چرا کردن در گفته‌های استاد است. این امر علاوه

بر بحثی که در پیش رو داریم ناظر به وضعیت کلی حاکم بر نظام آموزشی نهادهای حوزه و دانشگاه و مقایسه آنهاست. این بحث، در برگیرنده استثنائات محتمل و بلکه موجود در این نظام نیست؛ خواه این استثنائات در جهت تکامل و پیشرفت باشد، خواه در جهت نزول و انحطاط.

پیش‌نیازهای بحث مورد نظر، آشنایی نسبی - اگر نگوییم کامل - با شیوه‌های آموزشی حاکم بر حوزه و دانشگاه است. مهمتر از آن، اعتقاد به نقش تعیین کننده و غیر قابل جایگزین این مراکز در پیشرفت مادی و معنوی ایران اسلامی.

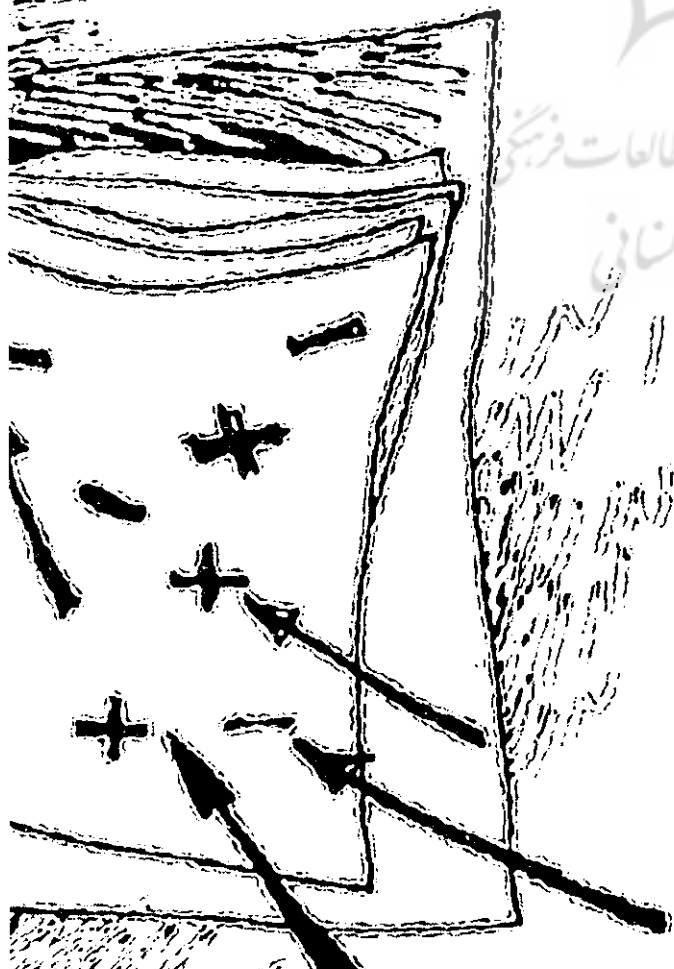
برشمردن نکات مثبت و منفی هر کدام از این دو نظام آموزشی، بیانگر کمال مطلوبها و باید‌هایی است که دستداران این دو مرکز باید بدانها بپردازند و بخصوص با شناخت نکات منفی، راه رشد و کمال بایسته و شایسته این دو مرکز حیاتی را با توجه به ضروریات عصر حاضر، هر چه بیشتر باز نمایند.

با توجه به مقدمات فوق، این مقاله فقط به ذکر قابلیتها و کاستیهای این دو نهاد و ارائه راه برطرف کردن کاستیهای آنها می‌پردازد. اگرچه بیان نکات قوت و ضعف، به طور تلویحی خطوط کلی اصلاح را هم نشان خواهد داد.

# قابلیت‌ها و کاستی‌های نظام آموزشی

## حوزه و دانشگاه

رضیه موسوی فر



بر روشن نمودن ابهامات، سبب می شود که هیچ استادی به خود اجازه ندهد که بدون مطالعه و آمادگی کافی در جلسه درس حاضر شود.

د- ملکه شدن دروس برای طلاب از طریق تدریس در حوزه های علمیه رسم بر این است که طلاب سطوح بالاتر با میل و اراده خود کلاسهایی را برای طلاب سطوح پایین تر می گذارند و هر طلبه ضمن اینکه به درس و بحث خود ادامه می دهد، از آموخته های پیشین نیز از طریق تدریس محافظت می کند. متأسفانه این سنت معقول امروز تقریباً فقط در حوزه های کوچکتر است که جدی گرفته می شود؛ زیرا کمبود امکانات، استفاده از تمام قابلیتها را ناگزیر می سازد.

ه- محافظه کاری کمتر استادان حوزه در بیان مطالب استادان حوزه های علمیه شیعه، به علت عدم وابستگی سنتی به قدرتهای حاکم در طول تاریخ و تا کنون، در بیان عقاید خود، محدودیت کمتری احساس می کرده اند و کمتر دچار خودسانسوری و محافظه کاری در بیان مطالب می شده اند. حاکمیت آزاد اندیشی بر فضای حوزه، سبب بی تفاوت نبودن حوزویان در برابر مسائل جامعه در طول تاریخ گشته است. آمیختگی امروزین فقهای حوزه با قدرت سیاسی و حاکمیت ولایت فقیه بر جامعه، مسؤولیت فقهای دست اندرکار حوزه را برای حفظ آزادی حوزه ها، بیش از پیش سنگین کرده است.

### و- فرصت بیشتر مطالعه و تحقیق

روحیه ساده زیستی و قناعت طلاب، به تقلید از اساتید حوزه، سبب توفیق جبری آنان در دوری گزیدن از تجملات زندگی و در نتیجه برخورداری بیشتر از اوقات فراغت برای رسیدگی به امور درسی می شود. این امر، ناشی از اولویت قائل شدن برای کسب علم و محور قرار دادن تعلیم و تعلم در زندگی آنان است که گوشه چشمی هم به زهد و تقوا دارد.

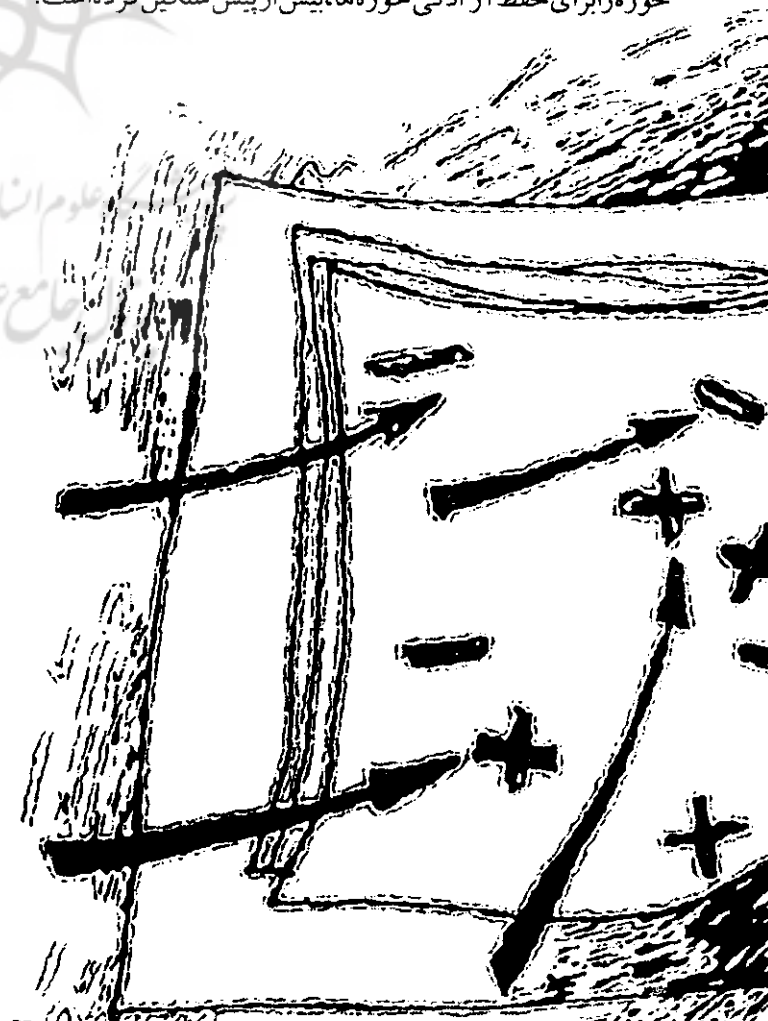
### نقاط ضعف حوزه های علمیه

#### الف- فقدان همگامی لازم با تحولات ادبیات عرب

اگر لزوم عربی بودن متون درسی طلاب را بپذیریم- که خود جای تأمل دارد- باید بگوییم که متأسفانه متون درسی طلاب بدون توجه به تحولات عمیق ادبیات عرب، همچنان دست نخورده باقی مانده است و استفاده از متون قدیم- بدون در نظر گرفتن محتوا- طلاب را از بهره مندی ضمنی از زبان عربی تا اندازه زیادی باز داشته است؛ طلابی که به صرف آشنایی و حتی تسلط کامل بر متون عربی درسی خود، بتوانند از کتب و مجلات عربی زبان جدید، بدون درگیر شدن جدی با مشکلات زبان، بهره لازم را ببرند، نادرند و علاوه بر مشکلات ترجمه ای، از نظر مکالمه نیز دچار مشکل هستند. این مشکل، با دگرگونی و اصلاح متون ادبی به راحتی از سر راه برداشته می شود.

#### ب- متحول نشدن شیوه های تدریس

در یادگیری ادبیات عرب- که به کلیه متون درسی بر می گردد- ریشه یابی لغات و عبارات با جدیت دنبال می شود که البته در جای خود لازم و ضروری است. اما به نظر می رسد برخی تأکیدها نه تنها ضروری نیستند، بلکه زایدند و برای طلبه ای که در آغاز پیمودن راه آموزش است مسلماً دشوار می نماید. مهمتر از آن، ذهن را مشغول و معطوف کردن به اینکه «ضرب» در اصل «الضرب» بود، ال و لام مصدرش را از ابتدای آن برداشتیم و «را و با» را فتحه دادیم و ... ممکن است هدف اصلی آموزش ادبیات را مخدوش کند. نکته دیگر اینکه برای درک هر چه بیشتر مفاهیم و مقررات فقهی، ضمن مطرح کردن مطلب، مثالهای متعددی آورده می شود و فروض مختلف آن ترسیم می گردد؛ گاه این مثالها و فروض آنقدر دور از واقعیات می شود که لبخندهای معنی داری را بر لبان طلاب می نشاند. این سنت گرچه فی نفسه با ارزش و در جای خود نیکوست و سبب می شود ذهن طلاب، تحلیلگر و فعال گردد و خود یک ورزش فکری است، اما سخن ما در این است که می توان از بعد غرابت این فروض و مثالها کاست.



### ج - تدریس برخی مباحث منسوخ

بحث ما پیرامون محتوای نظام آموزشی حوزه و دانشگاه نیست، اما نمی‌توان به آن دسته از مباحثی که در این عصر جایگاهی ندارند و هیچ ضرورتی برای تدریس و توضیح آن در سطح عموم طلاب وجود ندارد، معترض نشد؛ هر چند شکافتن چنین مباحثی برای علمای علم کلام در پاسخگویی به اشکال و ابهامهای احتمالی ضروری باشد. این مسأله، مسؤولیت سنگین تفتیح و تجدید نظر اساسی متون درسی را بر دوش صاحب‌نظران متعهد حوزه می‌گذارد.

### د - فقدان حاکمیت نگرش کاربردی در فراگیری مباحث

#### فقهی

مباحثه عمیق و تلاش و کاوش طلاب در آموختن مطالب درسی این انتظار طبیعی را موجب می‌شود که هر طلبه با گذراندن یک مبحث فقهی، به فلسفه وجودی آن، که استخراج احکام مرتبط با بحث است، دست یابد. اما متأسفانه بسیار دیده شده است که طلاب در پاسخگویی به سؤالاتی که درس مربوط به آن را گذرانده‌اند، با اشکال مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، طلبه‌ای که مبحث ارث را گذرانده است، بیشتر اوقات از پاسخگویی به مسایل پیش پا افتاده احکام ارث عاجز است و این دلیل موجهی جز بی‌توجهی به فلسفه وجودی مباحث فقهی و حاکم نبودن دید کاربردی در یادگیری دروس مختلف، ندارد. ه - فقدان ضوابط محدودکننده برای شرکت در درس خارج حاکمیت آزادی مشارکت در جلسات درس حوزه، درس خارج را هم بی‌نصیب نگذاشته است. از آنجا که نفس شرکت در جلسات درس خارج یک ارزش تلقی می‌شود - البته از دید غیر متخصصان - بسیاری از افرادی که در مقدمات فقه فرومانده‌اند، اما از شرکت در جلسات درس خارج غافل نمی‌شوند!! مزایای آزادی مشارکت در دروس استادان حوزه را بر شمردیم، اما در این سطح، حفظ حریم فقاقت و اجتهاد محدودیت‌هایی را می‌طلبد.

#### نقاط ضعف دانشگاه

#### الف - مدرک‌گرایی افراطی

برای اثبات وجود مدرک‌گرایی در دانشگاه، اشاره‌ای کوتاه به سؤالات دانشجویان در حال واحدگیری از دانشجویانی که آن واحدها را گذرانده‌اند، کافی و وافی به مقصود است. معمولاً نفس سؤال، پی‌بردن به اهداف سؤال‌کننده را هم در پی دارد و سؤالات مطروحه نگرش دانشجویان به واحدهای درسی را هم می‌رساند. این سؤالات شامل چگونه نمره دادن استاد، نحوه حضور و غیاب و تأثیر آن در نمره، منابع امتحان و

اینکه آیا جزوه کافی است یا خیر (کافی بودن جزوه امتیاز محسوب می‌شود!!) و دیگر اینکه آیا تحقیق اجباری است یا خیر، و اگر بله، آیا استاد، تحقیقات را می‌خواند؟ (نخواندن تحقیقات امتیاز است!!) و نهایتاً این سؤال که تحقیق شما در چه موضوعی بود، می‌شود آن را به من بدهید و ...

آیا با حاکمیت این نگرش می‌شود به نوآوری، ابداع و خلاقیت دانشجویان - بخصوص در علوم انسانی - امید بست؟

#### ب - گرایش به جزوه نویسی و جزوه‌دهی

از دید بیشتر دانشجویان، یکی از معیارهای خوب بودن استاد، جزوه دادن یا جزوه گفتن اوست!! وقتی هدف یک دانشجو معطوف و محدود به مدرک باشد - که متأسفانه نظام آموزشی حاکم بر دانشگاه هم آن را تشدید می‌کند - انتظاری جز این نمی‌توان داشت. اکتفای دانشجو به حداقل نمره قبولی، دانشجو را به استقبال از کلاس استادی می‌کشاند که منابع امتحان را به یک جزوه و حداکثر بخشی از یک کتاب محدود سازد. اینجاست که باید در جستجوی واژه‌های مناسب به جای واژه «دانشجو» و «دانشگاه» بود.

#### ج - بی‌محتوایی تحقیقات دانشجویی

متأسفانه مسأله تحقیقات دانشجویی - بخصوص در علوم انسانی - آنقدر از هدف به دور و از محتوا تهی شده است که باید نام دیگری برای آن جست. تحقیقات دانشجویی در بهترین حالتش، گردآوری مطالب مربوط به یک موضوع خاص است و غالباً فاقد هرگونه تحلیل. در حالات دیگر، تبدیل مطالب تایپ شده به دستنویس، آن هم بسیار محدود و گاه تنها براساس یک منبع است. رواج این باور که اکثر اساتید، تحقیقات را مطالعه نمی‌کنند، به این مسأله دامن زده است. البته همان طور که صریحاً تذکر داده شد، ما به مستثنیات کاری نداریم، زیرا هدف به تصویر کشاندن جو حاکم بر این اماکن مقدس است؛ به این امید که: «مردی از خویش برون آید و کاری بکند».

#### د - فقدان آمادگی و اعتماد به نفس کافی دانشجویان در کلاس

حضور بدون آمادگی دانشجو در کلاسهای درس و نداشتن ذهنیتی هر چند ابتدایی از مطالب درسی، سبب می‌شود که دانشجو نه تنها در مورد مطالب مورد بحث سؤالی برایش پیش نیاید بلکه در صورت پیش آمدن سؤال به دلیل فقدان اعتماد به نفس کافی، جرأت مطرح کردن آن را نداشته باشد. نتیجه اینکه، گفته‌های استاد را در بست و بدون چون و چرا و سبک و سنگین کردن می‌پذیرد. اثری که این امر، خواسته و ناخواسته بر استاد می‌گذارد، این است که استاد خود را ملزم به مطالعه کافی از قبل کلاس نمی‌داند.

## هـ- حلقه مفقوده نوآوری و نواندیشی

برخورد منفعلانه و بی‌اعتنایی روزافزون دانشجویان و تأثیر آن بر اساتید، به همراه عوامل جانبی دیگر، وضعیتی را سبب گردیده‌اند که مشاهده آن صاحب‌دلان درد آشنا را به سختی آزار می‌دهد و دورنمای یأس آوری را در مقابل دیدگان دردمند آنان به تصویر می‌کشد. بنده از سرکنجکاوای مطالبی را که در سال ۱۳۶۵، در کلاس یکی از استدید یادداشت کرده بودم، با مطالبی که ایشان در سال ۱۳۷۴ در کلاس تدریس کرده بودند، مقایسه کردم و به یکسان بودن مطالب مطرح شده پی‌بردم. گرچه اساتیدی، هرچند اندک، نیز وجود دارند که مظهر تعهد استادی به معنای واقعی کلمه هستند. با حاکمیت چنین جوی برای کثرت فضاهای آموزشی آموزش عالی، چگونه می‌توان از نواندیشی سخن گفت و انتظار نوآوری داشت؟

### و- محافظه‌کاری برخی اساتید در بیان مطالب

برخلاف شیوه‌ای که بر منش اساتید حوزه در بیان مطالب حکمفرماست، اساتید دانشگاه به علل گوناگون، از کنار مطالب بسیاری که باید در کلاسهای درس تجزیه و تحلیل شوند و نقادانه موشکافی گردند، با اشاره‌ای کوتاه و گاه حتی بدون اشاره می‌گذرند. این خطری جدی است و چاره‌ای درخور می‌طلبد؛ برای مثال، اگر در کلاس مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با همین عنوان نقد و بررسی نشود و نقاط قوت و ضعف آن تشریح نگردد، چه تضمینی برای تکرار نشدن اشتباهات از سوی دانشجویان امروز که مسئولین فردای کشور هستند، وجود دارد؟

### ز- اخذ علوم و تکنولوژی غرب بدون توجه به مقتضیات فرهنگی و سطح توسعه

استفاده از علوم و فنون جدید، زمانی موجب توسعه و پیشرفت کشور می‌گردد که در بستر طبیعی خود زاده شود و هماهنگ و متناسب با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی خود باشد. از آنجا که علوم و تکنولوژی کنونی، عمدتاً دستاورد فرهنگهای بیگانه و در پاسخ به نیازهای آن جوامع است، در اخذ و به‌کارگیری آن باید به مقتضیات جامعه توجه شود. البته در اخذ علم، به معنای عام کلمه، هرگونه محدودیتی نارواست؛ اما در پیاده کردن علوم یا به عبارت بهتر در بهره‌وری و به‌کارگیری علوم، بخصوص علوم کاربردی، باید نیازهای واقعی و متناسب با سطح توسعه کشور در اولویت قرار گیرند؛ زیرا صرف به‌کارگیری تکنیکهای برتر، بدون تناسب و هماهنگی با سطح توسعه کشور، زایش نوزاد علمی ناقص الخلقه‌ای را سبب می‌شود که اعقاب آن، به تبع والد خویش، همواره نقصان خود

را به آیندگان انتقال خواهند داد و کشور را از داشتن علوم و فنون متناسب با امکانات و آهنگ رشد خود محروم خواهند ساخت.

### نقاط قوت دانشگاه

#### همگامی نسبی با تحولات علوم

همگامی با تحولات علوم، مهمترین قابلیت موجود در دانشگاه‌های ماست. ایده‌ها و اندیشه‌های نوین در کلیه رشته‌های علمی همواره از طریق مراکز علمی و آکادمیک وارد کشور شده و در دسترس عموم قرار گرفته‌اند. آگاهی و دستیابی به تازه‌های دانش از طریق مبادلات علمی معمول میان کشورها و تردد اساتید و تبادل دانشجو با محوریت مراکز دانشگاهی همواره صورت پذیرفته و می‌پذیرد. استفاده از آخرین دستاوردهای علمی در عرصه‌های گوناگون زندگی بیشتر جز از طریق مراکز علمی امکان‌پذیر نیست. نقش منحصر به فرد مراکز علمی و دانشگاهی کشور ما هم در این مورد انکارناپذیر است و این مراکز هستند که استفاده از ایده‌ها و روشهای تازه علم را ممکن و آسان می‌کنند. همگامی دانشگاهها با تحولات علوم، در سه زمینه قابل بحث و بررسی است.

زمینه اول به عرضة تئوری‌ها و اندیشه‌ها مربوط می‌شود و زمینه‌های دوم و سوم دربرگیرنده متدلوژی و تکنولوژی است که در ادامه به تفکیک بررسی می‌شود:

#### الف- تئوری‌ها و اندیشه‌های نوین

با وجود مرکزیت و محوریت برخی کشورها در پیشبرد علوم، امروزه منحصر دانستن آن به چند قطب عمده نه تنها درست نیست، بلکه سبب نادیده انگاشتن تلاش انسانهای بشماری است که زندگی خود را در سراسر جهان وقف علم و خدمت به جامعه بشری نموده‌اند. خلاقیت و نوآوری در عرصه‌های گوناگون اندیشه بشری انحصارپذیر نیست و اندیشه‌ها را نمی‌توان محبوس کرد. اندیشه‌های نو، خواه درست باشند و خواه نادرست، معمولاً از طریق گوناگون به مراکز علمی راه یافته، مورد بحث و بررسی و نقادی قرار می‌گیرند و در صورت درست‌نمایی، نشر و گسترش می‌یابند؛ این مهم، معمولاً از طریق دانشگاهها تحقق می‌پذیرد و کشور ما هم از این حکم مستثنی نیست.

#### ب- متدلوژی

شیوه بررسی مسائل علمی همگام با تحول و تکامل علوم. همواره در معرض تغییر، تحول و تکامل قرار داشته و دارد. شیوه‌های پژوهشی امروزین با شیوه‌های مسلط گذشته تفاوت اساسی دارند و اندیشه‌های علمی در قالب‌های نوینی به نظم کشیده شده و ابزارهای کارآمدتر و دقیقتری برای پژوهش در

دسترس دانشمندان قرار گرفته است. اگر قرار است ما نیز در گردونه دوار علوم جای گیریم، ناگزیریم همراه با اخذ علم و تکنولوژی نوین، ابزارهای متکامل و متناسب با آن را به دست آوریم. این مهم از دیگر رسالت‌های سنگین دانشگاه‌های ماست و حرکت در این مسیر با وجود آن که سرعت مطلوب ندارد، قابل تقدیر است.

### ج - تکنولوژی

دستیابی به تکنولوژی مدرن در پیشرفت و توسعه کشور نقش اساسی و عمده‌ای را بازی می‌کند. با توجه به محدودیت استفاده از اختراعات و اکتشافات در جهان به سبب حق اختراع و اکتشاف، نقش مهم مراکز دانشگاهی را در عرصه آموزش علوم و فنون کاربردی و گشایش افق‌های نوین نمی‌توان نادیده انگاشت. چنانچه امکانات موجود در این زمینه‌ها بخوبی به کار گرفته شوند و استادان دست اندرکاران زمینه‌های لازم برای رشد و شکوفایی و خلاقیت استعداد‌های دانشجویان را فراهم کنند، دانشگاه‌های ما قادر خواهند بود این توانایی بالقوه خود را به نحو کاملتری به فعلیت برسانند و همراه با اخذ تکنولوژی به توسعه و تکمیل آن نیز بپردازند.

مطالب فوق خلاصه‌ای فهرست‌گونه از نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی حاکم بر حوزه و دانشگاه بود و به این امید مطرح شد که متولیان متعهد هر کدام از این دو نهاد، از خویش برون آمده کاری بکنند.

از آنجا که امام خمینی (ره) نقش منحصر به فردی در ذوب کردن یخ‌های بیگانگی و از میان برداشتن موانع ارتباط میان حوزه و دانشگاه داشتند و به برکت وجود معظم‌له بود که شاهد اختلاط امروز یخ‌های بیگانگی طلبه و دانشجو و اساتید حوزه و دانشگاه هستیم، بر خود لازم و بلکه فرض می‌دانم به توصیه‌ها و تذکرات ایشان در خصوص این دو مرکز اشارتی، هر چند کوتاه، بکنم و سخن خود را با آراستن به کلام نورانی ایشان به پایان برم. حضرت امام علیه السلام در بیان لزوم پیوند میان حوزه و دانشگاه می‌فرمایند: از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر... به انزوا کشاندن روحانیت... ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیون بود... توصیه این جانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند و عزیز هر چه بیشتر با روحانیون و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند.<sup>(۱)</sup>

ایشان در بخشی دیگر از وصیتنامه خود حوزه‌های علمیه را مخاطب قرار داده، می‌فرمایند: «وصیت من به حوزه‌های

مقدسه علمیه آن است... که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند... و یکی از راه‌های با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی، نفوذ دادن افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در دراز مدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شاید... می‌باشد... و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم‌تر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیه آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار است با تأیید مراجع وقت و شاید تنظیم در بی نظمی از القانات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد... قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است... و لازم است... که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود... و فقه سنتی محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد.»<sup>(۲)</sup>

حضرت امام علیه السلام با عنایت به نقش مهم دانشگاه‌ها در سرنوشت کشور می‌فرمایند: «باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر، آنچه به ایران و اسلام و ضربه مهلک زده است، قسمت عمده‌اش از دانشگاه‌ها بوده است. اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم، تهذیب و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم و غارت‌زده تحمیل نمی‌شود رنج‌دیده هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخایر ایران و طلای سیاه این ملت رنجیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و... اگر شخصیت‌های پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش... از دانشگاه‌ها به مراکز قوی سه‌گانه راه می‌یافت امروز ما غیر امروز و میهن ما غیر این میهن بود. اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتب‌های انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکل پیش نیاید و اختیار از دست نرود.»

۱ و ۲ - امام خمینی (ره)، وصیتنامه سیاسی - الهی.